

از ارگ ریخته تا شهر سوخته

ره‌آوردی از سفر علمی دانشجویان تاریخ دانشگاه فردوسی به استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان

بهمن ۱۳۸۴

غلامحسین نوعی*

اشاره

کشور ما از بزرگترین گاهواره‌های تمدن و فرهنگ جهانی است و هزاران سال است که نیاکان خردمند ما فرهنگ و تمدن سترگی را پی افکندند که به رغم آسیب و گزند بسیار همچنان از میراث گرانقدر آن نغمه‌ها ساز می‌کنند فرهنگ و تمدنی که افق‌های درخشان تاریخ و اندیشه را پیش روی ملل مختلف نیز گشوده است تا آنجا که این موارث فرهنگی هم امروز نیز مایه مباهات بشری است. میراث بر جای مانده را باید رفت و دید، باید شنید و شناخت و نیز باید آن را به درستی معرفی کرد.

استان‌های کرمان و سیستان نیز در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران سکونت گاه اقوام و تمدنهای متعددی بوده‌اند و در دل خود روایات کهنی جای داده‌اند بدین رو از جهت آشنایی بهتر با تاریخ و فرهنگ بخش‌هایی از ایران پرافتخار، انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد با همکاری انجمن دوستداران میراث فرهنگی پارسه و مساعدت گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد اقدام به برگزاری بازدید علمی از مناطق تاریخی و آثار باستانی استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان نمود.

این گردش علمی به سرپرستی دکتر جواد عباسی عضو محترم هیات علمی گروه تاریخ در بهمن ماه ۱۳۸۴ و ویژه دانشجویان ورودی ۸۱ روزانه بود که در آن جمعی از اعضای انجمن پارسه نیز شرکت نمودند. بعد از ظهر روز شنبه ۱۵/بهمن ماه سال یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار سفر علمی به اعماق تاریخ و همسفر شدن با مردان و زنان سیاحتگری که طی دوران علم آموزی از چهار سوی این کشور به جای جای ایران زمین مشتاقانه سفر کرده و دیده‌ها و شنیده‌های خود را در زیر آسمان آبی ایران به رشته تحریر در می‌آورند، آغاز شد اولین مقصد استان کرمان و شهر تاریخی کرمان بود.

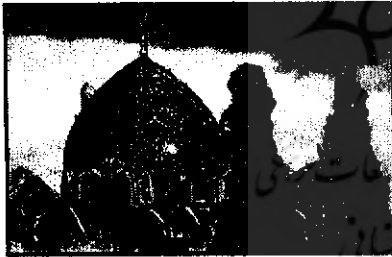
* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ - دانشگاه آزاد بجنورد

از آثار تاریخی ارزشمند شهر کرمان می توان به: گنبد جلیبه، مسجد ملک، مسجد جامع، مقبره ی اتابک، مسجد پامناز، مدرسه ی گنجعلیخان، امام زاده شاه حسین، گنبد مشتاقیه، مقبره شاه نعمت الله ولی، حمام گنجعلیخان، بازار قدیمی و ... اشاره نمود.

با تلاش و پیگیری سرکار خانم فخری زنگی آبادی از اعضاء سابق انجمن علمی گروه تاریخ و از همکاران و اعضاء فعلی انجمن دوستداران میراث فرهنگی پارسه دانشجویان و گروه اعزامی در سوئیت های مجتمع مس سرچشمه کرمان مستقر شدند. و با راهنمایی آقای امامی از اهالی دوست داشتی کرمان دانشجویان مشغول بازدید از آثار تاریخی شهر کرمان شدند. اولین مکان مشتاقیه بود که هم بازدید بود و هم صرف صبحانه.

• مقبره مشتاقیه

مقبره مشتاقیه که به سه گنبد نیز شهرت دارد، از آثار دوران قاجاریه می باشد که در گذشته در جوار قبرستان کهنه و خارج از حصار شهر قرار داشته و سه گنبد بر روی قبور مشتاق علیشاه،



شیخ اسماعیل و کوثر علیشاه بنا گردید و مشتاق علیشاه از متصوفین قرن سیزدهم هجری قمری است که در سال ۱۰۲۶ هـ ق سنگسار گردید. آثار تزئینی مجموعه مشتاقیه، کاشیکاری، نقاشی، گچبری، کاربندی و مقرنس می باشد.

• مدرسه ی گنجعلیخان (کاروانسرا)

مدرسه ی گنجعلیخان در ضلع شرقی میدان گنجعلیخان واقع شده و با توجه به کتیبه ای که در سردر آن نصب شده در سال ۱۰۰۷ هـ ق در دو طبقه بنا گردیده است. زیربنای آن ۷۲۵ متر می باشد و معمارش محمد سلطانی یزدی می باشد. این بنای تاریخی روزگاری مدرسه ای پررونق و به عنوان یک مرکز علمی در شهر کرمان مطرح بوده و بعدها از آن به عنوان کاروانسرا نیز استفاده گردیده است.

کاشیکاری نمای داخلی و بیرونی مدرسه از نوع معرق و معقلی است و کاربندیهای زیبا، مقرنس بندیهای منقوش، گچبریها و نقاشیهای جالب و بی نظیر مکمل تزئینات آن می‌باشد. پس از انجام تعمیرات اساسی و بازسازی مجدد بنا، هم اکنون این بنای ارزشمند به عنوان اداره میراث فرهنگی کرمان با کاربری جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. حمام گنجعلیخان شاهکار دیگر معماری ایران دومین مکانی بود که توسط دانشجویان تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد مورد بازدید قرار گرفت.

• حمام گنجعلیخان

حمام گنجعلیخان در جنوب میدان معروف به گنجعلیخان واقع شده است. این بنا ۱۶ متر طول و ۳۰ متر عرض دارد و مساحت آن با ملحقات ۱۳۸۰ متر است. این حمام مجموعه‌ای از تلفیق هنر معماری و کاربرد مصالح گوناگون با فضایی مناسب و عارفانه می‌باشد. معمار حمام استاد محمد معمار یزدی می‌باشد.

حمام گنجعلیخان از زیباترین و قدیمی‌ترین حمام‌های ایران است که در اواخر قرن دهم هجری شمسی به فرمان گنجعلیخان حاکم کرمان ساخته شده و شامل مسجد، کاروانسرا، ضرابخانه و آب انبار است. این حمام در اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰ به موزه‌ای تبدیل شد که در این موزه مجموعه‌ای از وسایل گرمابه‌های سنتی ایران با کمک نور به شیوه زیبایی به نمایش درآمده است. رختکن حمام ۶۰ غرفه دارد که هر غرفه به طبقه‌ای طبقات اجتماع مانند: سادات، روحانیون، خوانین، اعیان، بازاریها و رعایا اختصاص داشته است. در هر غرفه یک یا دو مجسمه از طبقات اجتماع عصر صفوی نصب شده که حمام را به موزه مردم شناسی تبدیل کرده است. بازار گنجعلیخان و مسجد جامع آثاری بودند که بعد از حمام گنجعلیخان مورد بازدید دانشجویان قرار گرفتند.

• بازار گنجعلیخان

در طرف شمال میدان گنجعلیخان، بازار معروف گنجعلیخان قرار دارد که امروزه قسمتی از بازار مسگری کرمان است. این بازار ۹۸ متر طول و ۶ متر عرض دارد و مساحت آن ۵۸۸ متر مربع

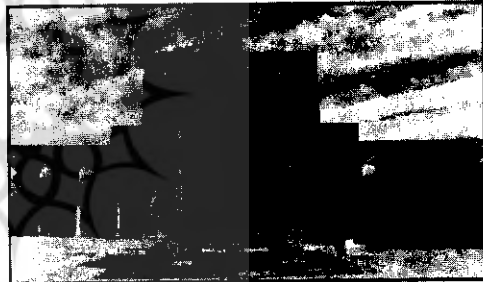
می باشد. بازار گنجعلیخان هم اکنون هم به عنوان یکی از بازارهای قدیمی ایران محسوب می شود و از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

• مسجد جامع

این مسجد جزئی از مجموعه ی مظفری است که توسط امیر مبارزالدین محمد مظفر میبیدی یزدی در سال ۷۵۰ هـ. ق ساخت آن به اتمام رسیده است و در زمان صفویه به مسجد جامع مظفری شهرت داشت. طول صحن مسجد ۶۶/۶۰ متر و عرض آن ۴۸/۴ متر می باشد. مسجد جامع یکی از قدیمی ترین بناهایی است که از سلاطین ایرانی بعد از آل بویه در این شهر باقی مانده است.

این مسجد از جمله مساجد چهار ایوانی است که دارای سردر رفیع، صحن، ایوان و شبستان می باشد.

پس از بازدید مجموعه گنجعلیخان و مسجد جامع برای صرف نهار به سمت دانشگاه آزاد کرمان به راه افتادیم. سپس



برای استراحت به مجموعه سوئیت‌های مس سرچشمه رفتیم و تا ساعت ۱۵/۳۰ به استراحت پرداختیم. بعد از ظهر با هماهنگی که با خانم روح الامینی سرگروه محترم تاریخ اداره آموزش و پرورش کرمان صورت گرفته بود موزه تاریخ آموزش و پرورش کرمان مورد بازدید دانشجویان قرار گرفت.

موزه هر چند تازه تاسیس بود ولی نشان گر تلاش بی وقفه و شایسته دایر کنندگان خود بود که عاشقانه به تاریخ و فرهنگ خود خدمت می کنند. گروه اعزامی در موزه از بیانات ارزشمند سرکار خانم روح الامینی بهره‌های فراوان بردند. موقتاً از خانم روح الامینی و موزه تاریخ آموزش و پرورش کرمان خداحافظی کرده و به گشت و گذار در شهر کرمان برای خرید کلمپه مخصوص کرمان پرداختیم. البته در ادامه گنبد جلیله نیز مورد بازدید قرار گرفت.

• گنبد جبلیه



در شرق کرمان و در امتداد خیابان زریسف واقع گردیده و با توجه به نوع مصالح به جبال سنگ و یا گنبد جبلیه و گنبد گنج مشهور شده است.

معماری بنا مربوط به دوران سلجوقیان است که تعمیراتی در طول زمان بر روی آن به انجام رسیده است. از جمله احداث گنبد آن در ۲۵ سال گذشته

صورت پذیرفته است. تزئینات منحصر به فردی در بالای قوسهای آن قرار دارد که مورد توجه صاحب نظران است. نقشه بنا هشت ضلعی است که بعد از تبدیل به ۱۶ و ۳۲ گنبد را بر آن، استوار نموده‌اند.

سپس بازگشت به اقامتگاه و استراحت برنامه بعدی گروه بود. مصادف شدن ایام گردش علمی با دهه محرم حال و هوای خاصی داشت بخصوص اینکه دانشجویان شام را از غذای متبرک و نذری سالار شهیدان اباعبدالله حسین (ع) بهره‌مند شدند. صبح روز بعد عازم جیرفت شدیم. البته ابتدا وارد ماهان شدیم.

• شاه نعمت الله ولی

مقبره شاه نعمت الله ولی، عارف نامی قرن هشتم در شهر ماهان، در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی کرمان قرار دارد. شاه نعمت الله ولی که نام اصلی اش امیرنورالدین نعمت الله بوده است در شهر حلب به دنیا آمد و جوانی خود را در جهانگردی گذراند.

مجموعه آستانه که مقبره شاه نعمت الله ولی در آن قرار دارد، شاهکاری است از هنر معماری شش قرن اخیر با فضای معماری زیبا در میانه باغی بسیار باطراوت و روح انگیز. مجموعه آستانه شامل سردر و گلدسته‌ها، حسینیه صحن اتابک، صحن و کیل الملکی میرداماد و حسینیه، رواق شاه عباسی و چله خانه است. در کنار مقبره، کتابخانه ای از کتب قدیمی و با ارزش و موزه ای از

آثار گرانبها وجود دارد که انبوه علاقمندان هنر، ادب و جهانگردی را به شهر ماهان جلب کرده است.

• باغ شاهزاده



باغ شاهزاده در دامنه‌های شمالی کوه‌های «تیگران» و در ۶ کیلومتری ماهان قرار دارد که به فرمان و خواست یکی از شاهزادگان قاجار توسط حمید میرزا ناصر الدوله (بیست و ششمین فرمانده دوره قاجاریه در کرمان) بنا گردید. مساحت باغ ۵ هکتار می باشد.

طرح اصلی باغ مانند باغ‌های سنتی ایران دارای دو

عمارت با یک رشته آب‌نما و حوض‌های به هم پیوسته در محور مرکزی است و یکی از زیباترین باغ‌های ایرانی به شمار می آید که از قسمتهای زیر تشکیل شده است: سردر، عمارت شاه نشین و حمام. عمارت اصلی در قسمت جنوب باغ نزدیک در غربی قرار گرفته است. پس از لذت بردن از مسجد زیبا و معماری جالب باغ شاهزاده ماهان را به قصد بازدید از آثار تاریخی شهر جیرفت ترک نمودیم.

• جیرفت؛ سرزمین سبزواران

سرزمین سبزواران در جنوب شرقی استان کرمان چه از نظر زیست محیطی و چه از لحاظ موقعیت جغرافیایی کلیه ویژگی‌های لازم در راستای شکل‌گیری فرهنگها و تمدن‌های شکوفا و پیشرفته دوره پیش از تاریخ و آغاز تاریخی را داراست.

این منطقه به مدد وجود رودخانه عظیم هلیل رود و چندین رودخانه فصلی و دائمی دیگر، وفور منابع آبی زیرزمینی و همچنین به دلیل برخورداری از جلگه‌های رسوبی حاصل خیز، وجود کوه‌های بلند و قرارگیری در مسیر ارتباطی فرهنگ‌های شرق و غرب، شاهد شکل‌گیری و پیشرفت فرهنگ‌های مستقر در این ناحیه، به ویژه از هزاره پنجم ق.م به بعد بوده است.

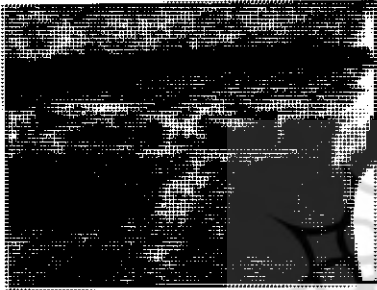
فرهنگ‌هایی که با پیشرفت در امور کشاورزی و صنایع تولیدی و گسترش ارتباطات اقتصادی و تجاری با مناطق دور و نزدیک از اوایل هزار سوم ق.م وارد مرحله شهرنشینی شد. نقش حیاتی و عظیم هلیل رود در شکل‌گیری و پیشرفت تمدنی جوامع مستقر در کناره و دلتاهای آن موجب شده تا «حوزه فرهنگی هلیل رود» در محدوده‌ای به وسعت ۲۰۰×۵۰ کیلومتر در حد فاصل کوه‌های ساردوئیه و جبال بارز (یعنی سرچشمه‌های هلیل رود) تا هامون و جازموریان، شکل گرفته و از اوایل هزاره سوم ق.م تا اواسط هزاره دوم ق.م به یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های درون فرهنگی منطقه جنوب شرق ایران تبدیل شده و از مهم‌ترین مراکز صنعتی تجاری و هنری شرق باستان به شمار می‌آید.

با مطالعه اشیاء بازیافتی محوطه‌های باستانی کنار - هلیل رود - به وضوح می‌توان دریافت که از اواسط هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق.م از نظر تولید کالاهای صنعتی و هنری و شکوفایی اقتصادی و سطح وسیع ارتباطات فرهنگی و تجاری با نقاط دور و نزدیک، این محوطه یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی، صنعتی و اقتصادی جنوب شرق ایران بوده است.

غناي قبور باستانی این ناحیه دلالت بر تجمع ثروت جوامع ساکن در شهرهای آن دارد. ثروتی که بدون شک محصول تکنولوژی پیشرفته در زمینه تولیدات صنعتی و کشاورزی و نتیجه روند رو به رشد سیستم‌های پیچیده توزیع و صدور کالاهای تولیدی این ناحیه بوده است. بر مبنای آثار به دست آمده، تکنیک به کار رفته در تولیدات هنری - صنعتی حوزه فرهنگی هلیل رود، به خصوص در ساخت ظروف تزئینی سنگ صابونی، سنگ مرمر و ... به مراتب پیشرفته‌تر از نمونه‌های مشابه به دست آمده از سایر محوطه‌های همزمان، در نقاط مختلف شرق باستان است.

از سوی دیگر نقش مایه‌های به کار رفته در تزئین ظروف سنگ صابونی کناره‌ی هلیل رود، از نظر محتوا و موضوع، دارای تنوع بسیار زیادی است. همچنین نه تنها کیفیت هنری صنعتی که از لحاظ کمیت نیز آثار هنری به دست آمده از این منطقه به ویژه در زمینه ظروف منقوش سنگ نشانی شده از جنس کربیت و اسانیت (سنگ صابون) بسیار بالاتر از سایر محوطه‌های هزاره سوم ق.م در ایران، میانرودان و ساحل جنوب و غرب خلیج فارس است.

با توجه به مدارک موجود این احتمال قابل طرح است که این حوزه فرهنگی مرکز اصلی تولید و توزیع اشیاء تزئینی از جنس صابون به شماره آمده و محوطه‌های شهری آن با فعالیت زیاد کارگاه‌های صنعتی و هنری خود علاوه بر پاسخگویی به سفارشات و نیازهای صنعتی سایر مناطق و برقراری روابط گسترده و سازمان یافته نواحی دیگر و تبادل دست آوردهای فرهنگی متقابل، بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی خود را از طریق ارسال کالاهای تولیدی خود به سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌های دنیای باستانی از جمله میانرودان و جنوب غرب ایران منتقل نموده‌است.



حوزه‌ی فرهنگی جنوب شرق و حوزه درون فرهنگی هلیل رود در ادوار تاریخی نیز از نظر سیاسی اجتماعی و از لحاظ فرهنگی و اقتصادی حائز اهمیت بسیار بوده است. این ناحیه در دوره هخامنشی بخشی از ساتراپی

مکران به شمار می‌آمد که بارها در کتیبه‌های هخامنشی، نقوش و حجاری‌های این دوره به نام و محصولات تولیدی آن اشاره شده است. این ناحیه در ادوار سلوکی - اشکانی و ساسانی نیز یکی از مناطق مهم و حساس به شمار می‌آمده است.

در دوره‌ی اسلامی یکی از ادوار شکوفایی فرهنگی و تمدنی جنوب شرق به ویژه هلیل رود جیرفت شکل گرفت. شهر عظیم دقینانوس در حاشیه جیرفت و هلیل رود، با وسعت حدود ۱۴ هکتار یکی از مهم‌ترین مراکز تمدن سده‌های اولیه اسلامی به ویژه دوره سلجوقی بوده است. آثار به دست آمده از فصل اول کاوش‌های این محوطه مبین شکوفایی اقتصادی - صنعتی این شهر و گسترش تجارت و کشاورزی دقینانوس با مناطق گوناگون سرزمین‌های اسلامی است.

حدود ساعت ۳۰:۱۲ ظهر بود که وارد شهر تاریخی جیرفت شدیم و چون از قبل با دوستان عزیز شورای اسلامی شهر جیرفت هماهنگ شده بود برای صرف نهار به رستوران نارنج عزیمت نمودیم و بعد از کمی استراحت عازم بازدید از محوطه‌های باستانی شدیم در این بین دکتر فاریابی و همسر محترمشان به همراه آقای فاریابی از فرهنگ دوستان جیرفتی، گروه را همراهی



می‌کردند و با ارائه توضیحات مفید و ارزنده دانشجویان را راهنمایی می‌نمودند. خانم روح‌الامینی و همراهانشان نیز به جمع ما پیوستند و به بازدید از تپه‌های تاریخی جیرفت پرداختیم. روز دوشنبه ۱۷ بهمن به جیرفت وارد شدیم. ظاهراً این روز تعطیلی دکتر مجیدزاده و همکاریانشان در امر کاوش‌ها و مطالعات میدانی بود.

بعد از بازدید از آثار تاریخی در محل چشمه سار پر آبی که ظاهراً به صورت طبیعی از زمین می‌جوشید و چون پرفشار است مورد استفاده اهالی منطقه نیز قرار می‌گیرد، توقف نمودیم و دانشجویان با میوه، شیرینی و چای مورد پذیرایی قرار گرفتند. سپس جهت بازدید از شهر دقینوس عازم آنجا شدیم.

با تاریکی هوا به سمت کمپ باستان‌شناسی و اقامت دکتر یوسف مجیدزاده سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی جیرفت رفتیم. استاد با گرمی دانشجویان علاقمند مشهدی را پذیرفت و علی‌رغم کسالت و داشتن نوبت پزشک وقت خود را در اختیار دانشجویان قرار داد و به ارائه گزارش فعالیت‌های انجام شده در جیرفت پرداخت و به آثار به دست آمده و اهمیت آنها اشاره نمود. کلاس درس عملی برای دانشجویان با سخنان گهربار دکتر مجیدزاده تکمیل شده و در پایان ایشان به سوالات پیش آمده پاسخ گفتند. بازدید از موزه باستان‌شناسی جیرفت آخرین برنامه ما در شهر جیرفت بود.

• موزه باستان‌شناسی جیرفت

بنیان و شکل‌گیری موزه باستان‌شناسی جیرفت، دستاورد مجموعه‌ای از وقایع و رویدادهای اجتماعی و اندیشه‌های فرهنگی و عزم و اراده‌ی عمومی بود. به دنبال فعالیت گسترده سوداگران از اموال فرهنگی در محوطه‌های باستانی کناره هلیل رود (۱۳۸۰) و به یغما رفتن آثار تاریخی -

فرهنگی کم نظیر این ناحیه، صدمات جبران ناپذیری بر پیشینه ی تاریخی و هویت فرهنگی ناحیه جیرفت، سرزمین سبزواران و کشور ایران گردید.

یکی از اقدامات انجام شده که ریشه در فرهنگ غنی و اندیشه‌های پویای مردم منطقه داشت و به واقع حرکتی خود جوش و مردمی به شمار می‌آمد، ساخت مکانی تحت عنوان موزه باستان‌شناسی در شهرستان جیرفت بود.

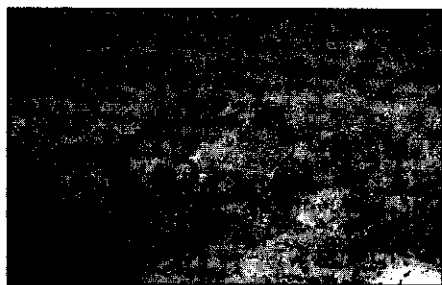
این اقدام از یک سو، مبین آگاهی اجتماعی مردم نسبت به جایگاه و ارزش میراث فرهنگی بود و از سوی دیگر بیانگر اراده عمومی مردم و نهادهای دولتی در حفظ هویت تاریخی و مقابله با حرکت‌های سودجویانه برخی افراد و گروه‌هایی است که به صرف مسائل مادی، اقدام به تخریب آثار فرهنگی منطقه و از بین بردن ریشه‌های تاریخی آن می‌کردند.

این موزه در سال ۱۳۸۰ با تلاش گروهی از مردم اندیشمند و فرهنگ دوست جیرفت و با همیاری دادگاه انقلاب اسلامی و شهرداری این شهر، بنیان نهاده شد. با توجه به ادوار فرهنگی - تمدنی حوزه جنوب شرق و حاشیه هلیل رود، موزه باستان‌شناسی جیرفت در برگیرنده‌ی بخشی از آثار تاریخی این منطقه متعلق به هزاره ی سوم ق. م تا دوره سلجوقی است. آثار مزبور از سه طریق به موزه راه یافته است. بخش اصلی آثار که شامل مجموعه ظروف سنگ صابونی منقوش و ابزار و اشیاء مفرغی است که توسط نیروهای پاسدار و انتظامی و دادگاه انقلاب اسلامی جیرفت - کهنوج و بردسیر از دست سوداگردان اموال فرهنگی خارج و ضبط شده و به عنوان میراث فرهنگی مردم جیرفت و ملت ایران در موزه این شهر در معرض دید همگان قرار گرفته است. پس از تماشای آثار زیبا و حیرت آور تمدن هلیل رود برای صرف شام عازم رستوران نارنج شدیم و شب را در خوابگاه‌های دانشگاه آزاد جیرفت به صبح رساندیم. ۷ صبح عازم شهر بم شدیم.

• بم؛ شهر زندگی با مشارکت هم در سازندگی

شهرستان بم از شمال به کرمان، از جنوب غربی به ایرانشهر و سبزواران (جیرفت) و از مشرق به زاهدان و از مغرب به بافق و سیرجان محدود است. دارای ۲۹ درجه و ۶ دقیقه عرض شمالی و

۵۸ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی است. شهر در دشت وسیعی بین دو رشته جبال بارز و کبودی قرار گرفته است.



بم در قدیم، یکی از پنج کوره ایالت فارس بوده، ابن حوقل در قرن چهارم هجری از بم به نام شهری که از جیرفت بزرگتر و هوایش سالمتر و دارای نخلستان‌های زیاد بوده یاد کرده است.

هم اکنون شهر بم در اثر زلزله‌ی پنجم دی ماه سال یک هزار سیصد و هشتاد و دو، دچار ویرانی شدیدی شده و جمع کثیری از مردم و کودکان بی‌گناه بمی در زیر آوار جان باختند و علی‌رغم گذشت بیش از دو سال از آن حادثه و بسیج ملی و بین‌المللی برای ساخت شهر و ترمیم ویرانی‌ها، همچنان بخش عظیمی از شهر، حال و هوای زلزله را حفظ کرده است.

• انجمن پارسه و بازدید از مدارس

بم، زنده است هنوز

در چشم‌های تو

هر چند که بوی خاک و فراپه می‌دهد

اما تو زنده‌ای

با

دست‌های کوچک و اندیشه‌ای بزرگ

فردا از آن توست!

«فاجعه تلخ تر و وسیع تر از آن است که به ذهن می‌رسد. اتفاقی که سنگینی تصورش، شیشه‌ی خیال را در هم می‌شکند و کابوسی که تو را با خود به قعر فراموشی خواهد برد.



صبح می‌توانست صبحی همچون همیشه باشد، با تابش درخشان خورشید بر پیکر شهر، تا دوباره زندگی جریان یابد... چگونه می‌شود در چند ثانیه این همه لبخند را به خاک سپرد و چگونه می‌شود قبل از تمام شدن دقیقه‌ای این همه خواب را به مرگ پیوند زد.»

آری، سخن از حادثه ناگوار و دلخراش زلزله‌ی ۵ دی ماه سال ۱۳۸۲ بم است. زلزله‌ای که شهر را به کام مرگ فرو برد و همه چیز را ویران نمود. اما بم همچون نخلهایش استواری نمود و زنده ماند.

آری بم، زنده است هنوز، در چشم‌های تو، هر چند بوی خاک و خرابه می‌دهد.

انجمن پارسه «دوستداران میراث فرهنگی و ملی» درصدد فرصتی بود تا بتواند از نزدیک استواری همراه با مظلومیت هموطنان بمی خود را ببیند و مشکلاتشان و بعضاً کم کاری مسؤولانشان را از نزدیک مشاهده نماید. به میان کودکان و دانش آموزان - این سرمایه‌های آینده‌ی ایران عزیز - بیاید و با آنها سرود زندگی و سازندگی سر دهد و آرزو نماید هر چه زودتر بم همچون گذشته سربلند و سرافراز شود.

این مهم در پی مساعدت و همکاری انجمن علمی دانشجویان تاریخ و گروه آموزشی



تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد در روز سه شنبه ۱۸ بهمن ماه سال ۱۳۸۴ صورت پذیرفت. با هماهنگی‌هایی که انجمن پارسه با دکتر محسن بحرینی بهزادی از دندانپزشکان متعهد شهر صورت داده بوده تصمیم گرفتیم به همراه دانشجویان به میان دانش‌آموزان دو مدرسه از مدارس محروم بمی که در کانکس‌های پیش ساخته مشغول تحصیل بودند، برویم و هدایایی که از طرف انجمن پارسه با مشارکت تعاونی ناشران خراسان و اداره کل ارشاد اسلامی خراسان رضوی تدارک دیده شده را به هموطنان عزیز خود - که در شرایط سخت از درس و تحصیل دست نکشیده بودند - تقدیم کنیم.

در ابتدای ورود به مدارس خانم دکتر الهه معروضی از اعضای انجمن پارسه با سخنان کوتاه خود و بیان داستان گونه از امید و آینده گفت و تلاش برای ساختن بم با مشارکت هم، سپس هدایای بسیار نا قابل



توسط دکتر جواد عباسی عضو محترم گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد و سایر اعضا انجمن پارسه به دانش‌آموزان اهداء شد و سرود زندگی و سازندگی را با هم زمزمه کردیم و از قصه‌ی مادر بزرگ زمین سخن گفتیم و آینده؛ که از آن همه کودکان و دانش‌آموزان آینده ساز بمی است؛ گفتیم.

جدا شدن از دانش آموزان دوست داشتنی و معصوم بم سخت بود ولی دوستان برنامه بازدید از ارگ قدیم بم را تدارک دیده بودند لذا بعد از خداحافظی از دانش آموزان عزیز بمی به سمت ارگ بم، - ارگ ویران شده بم، - رفتیم.

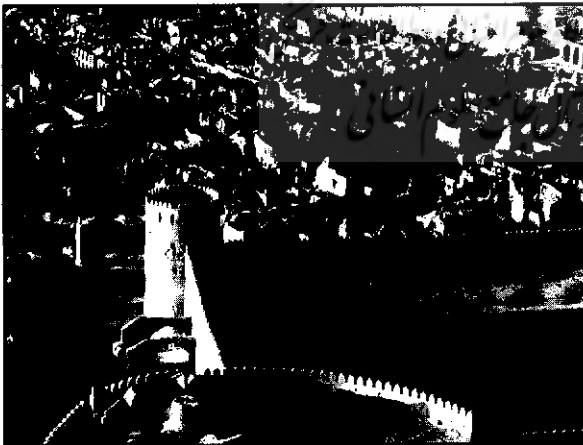
• ارگ بم

ارگ بم بزرگترین مجموعه خشتی جهان است که حدود ۲۰۰۰ سال قدمت دارد. این بنا، در شمال شرقی بم و بر فراز تپه‌ای آذرین قرار گرفته است و از چهار قسمت، ۳۸ برج دیده‌بانی، یک خندق، بارویی عظیم را تشکیل داده است. مساحت ارگ در حدود ۲۴۰/۰۰۰ متر مربع است. دور تا دور ارگ را خندقی عمیق احاطه کرده است که طی قرون، این مجموعه را از یورش‌ها حفظ کرده است. یکی از نکات جالب و قابل تأمل در مورد ارگ بم، حکایت پناه بردن لطف علی خان زند به این قلعه و ماجرای غم انگیز دستگیری او و قتل عام مردم کرمان می‌باشد. مصالح اصلی بنا خشت خام و گل رس است. گاه به ندرت سنگ، آجر و تنه درخت خرما نیز در بنای ارگ به کار رفته است. از مکانهای شناخته شده ارگ بم آثاری از قبیل زورخانه، حمام عمومی، اصطبل، سربازخانه، زندان و عمارت چهار فصل می‌باشد. خانه‌های عمومی متصل به

هم ساخته شده‌اند و به یکدیگر

راه دارند. در بعضی از خانه‌ها آثاری از حمامهای خصوصی دیده می‌شود. اصطبل‌ها در مکانی جدا از خانه قرار داشته‌اند. تعدادی از خانه‌های ارگ دو طبقه ساخته شده که این امر نشانگر روند ازدیاد جمعیت در یکی از دوره‌های گذشته است.

ارگ بم ظاهراً تا ۱۲۰ سال



پیش مسکونی بوده و فقط حکمران تا مدتی به عنوان پادگان از آن استفاده می‌کرده است. این بنای شکوهمند که به عنوان بزرگترین بنای خشتی جهان هم مطرح می‌باشد در حادثه زلزله دچار ویرانی فراوانی شده که بازسازی آن را با مشکل جدی روبرو ساخته هر چند که گروه‌های ایتالیایی و باستان شناسان خارجی دیگر با همکاری یونسکو در تلاشند که این بنای جهانی را نجات بخشند.

بازدید از مجموعه ی ویران شده ارگ بم با مساعدت مهندس جهان آبادی قائم مقام محترم میراث فرهنگی و گردشگری شهر بم توضیحات اولیه ایشان و همراهی آقای مهندس احمدی باستان شناس مجموعه آغاز شد و دانشجویان از کارهای انجام شده از نزدیک مطلع شدند و به بازدید از تمام قسمت‌های ارگ پرداختند.

پس از بازدید از ارگ بم و صرف نهار در دانشگاه آزاد بم، بعد از ظهر را در مجموعه ارگ جدید بم که به عنوان یک منطقه توریستی - تجاری بود طی نمودیم و دانشجویان ساعتی را به استراحت و تفریح در این مجموعه زیبا و مفرح پرداختند و سپس عازم شهر زاهدان شدیم.

• استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی در جنوب شرقی ایران قرار دارد. وسعت آن ۱۸۷۰۵۲ کیلومتر مربع (سیستان ۱۵۱۹۷ و بلوچستان و ۳۵:۱۷۲ کیلومتر مربع) است. این استان بیش از ۱۱٪ از وسعت کل کشور را در بر می‌گیرد و از شمال به استان خراسان جنوبی، از غرب به استان کرمان و هرمزگان و از جنوب به دریای عمان، از شرق به افغانستان و پاکستان محدود است.

• زاهدان

شهر زاهدان، مرکز استان، از شمال به شهرستان بیرجند، از شمال شرق به شهرستان زابل، از غرب به استان کرمان، از جنوب به شهرستان خاش و ایرانشهر و از شرق به کشورهای افغانستان و پاکستان محدود است. بیشتر مردم زاهدان مهاجرانی هستند که از یزد، کرمان، زابل، بیرجند و مشهد و برخی از استان‌های دیگر به این شهرستان کوچ کرده‌اند.

مراکز دیدنی شهر عبارتند: از بازارچه سرپوش، ساختمان قدیمی پست، گود اوره سیک‌ها بامراسم مذهبی دیدنی، موزه مردم شناسی و باستان شناسی شهر زاهدان، کتابخانه کامبوزیا، و حضور در شهر زاهدان همزمان بود با تاسوعای حسینی و به علت کمبود وقت صبح زود شهر زاهدان را به قصد بازدید از مجموعه شهر سوخته ترک نمودیم.

• شهر سوخته

شهر سوخته در ۵۷ کیلومتری غرب جاده زابل به زاهدان قرار دارد. محوطه باستانی شهر سوخته به علت وسعت و موقعیت ویژه خود، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. فعالیت‌های باستان‌شناسی در سال‌های اخیر بر روی شهر سوخته به همت گروه کاوشگران ایتالیایی وابسته به موسسه ایتالیایی مطالعات خاورمیانه و خاور دور (ایزمئو) در سال ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد.



در سال ۱۹۶۷ میلادی این موسسه با همکاری اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه شروع به کاوش در این سلسله تپه‌ها نمود و حاصل پژوهش‌های خود را در ده‌ها کتاب و مقاله منعکس نمود. با

تلاش و کوشش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، در حال حاضر دکتر سید منصور سجادی با هیأت همراه در حال کاوش و بررسی گسترده است.

اهمیت و وسعت کشفیات شهر سوخته در چند سال اخیر، این محوطه باستانی دوران مفرغ را به صورت مهمترین مرکز اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، تجاری، صنعتی، اداری و فرهنگی تمام منطقه در طی هزاره‌های سوم و دوم پ.م در خاورمیانه در آورده است.

مساحت کل تپه‌های شهر سوخته حدود ۱۵۱ هکتار و میانگین ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۲ متر و بلندترین نقطه‌های آن ۱۸ متر است. جهت این تپه‌ها از شمال به جنوب و طول آنها ۲۲۲ متر با پهنای ۱۰۹۰ متر است. شیب تپه‌ها از مشرق به مغرب است و در قسمت پایین آن گورستان شهر قرار دارد.

ساعت ۲۰:۱۱ دقیقه به نزدیکی شهر سوخته رسیدیم و چون از قبل با آقای خسروی مسوول محترم پایگاه باستان شناسی شهر سوخته هماهنگی شده بود. ابتدا گروه اعزامی پایگاه و موزه دائمی آنجا که بخشی از آثار بدست آمده را در خود جای داشت، مورد بازدید قرار داد و از توضیحات و راهنمایی ارزنده آقای خسروی که خود از فارغ التحصیلان رشته تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد بودند، بهره‌ها برد.

دانشجویان در ادامه با همراهی جناب آقای خسروی به بازدید از محوطه‌های باستانی شهر سوخته پرداخته و از سخنان ارزشمند ایشان استفاده بردند. ساعت یک بعد از ظهر شهر سوخته را با همه ی تاریخ پر رمز و رازش رها کرده و به سمت زابل به راه افتادیم.

• زابل

زابل، تاریخی کهن دارد و زمانی مرکز سیستان بود. در گذشته نه چندان دور نام قدیمی آن نصرآباد یا نصیرآباد بود و سرپرسی سایکس از آن با نام نصرت آباد یاد کرده است. با مساعدت شهردار محترم شهر جناب آقای گرگیج و هماهنگی‌های انجمن علمی گروه تاریخ در زابل میهمان شهرداری بودیم و در بدو ورود مورد استقبال جناب آقای سلیمانی از کارکنان محترم شهرداری زابل قرار گرفتیم.

پس از صرف نهار جهت استراحت به محل هتل آرام هدایت شدیم. حدود ساعت ۷ بعد از ظهر بود که شهردار محبوب زابل جناب آقای گرگیج در جمع مان حاضر شد و به ایراد سخنرانی پرداخت. ایشان ضمن خیرمقدم به دانشجویان و تشکر به خاطر انتخاب این شهر جهت بازدید از آن و مناطق تاریخی موجود، به معرفی شهر زابل، قومیت‌های موجود و امکانات شهر پرداختند. ایشان در ادامه به مشکلات موجود در شهر اشاره کردند و مهم ترین عامل ماندگاری مردم در شهر و موجودیت آن را وجود چاه نیمه‌های ۳ گانه - که باعث تامین آب منطقه و حتی اطراف زابل شده است - دانستند.

شهردار زابل عزم مدیران شهر و مسئولان استان را جهت توسعه گردشگری و جلب توریسم جدی دانست و تقاضا نمودند شرایط از سوی دانشگاهیان و محققان بگونه ای فراهم شود تا آثار علمی و پژوهشی در این زمینه و تاریخ این منطقه تدوین گردد.

در پایان به رسم یاد بود مجموعه‌ای از مجلات علمی - پژوهشی دانشکده به ایشان تقدیم شد. دانشجویان پس از صرف شام در مراسم عزاداری عاشورای حسینی شهر زابل شرکت کرده و از نزدیک دسته‌ها و هیئت‌های عزاداری را مشاهده نمودند. سپس برای استراحت به هتل بازگشتند. ساعت ۵ بامداد جهت بازدید از آثار تاریخی به سمت کوه خواجه عزیمت نمودیم.

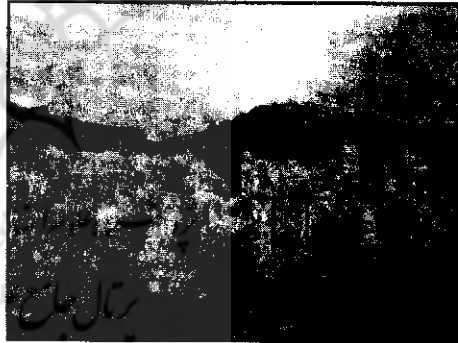
• کوه خواجه

کوه خواجه که تنها عارضه طبیعی مرتفع در قسمت سیستان به شمار می‌رود، گدازه بازالتی دوزنقه ای شکل به ارتفاع ۶۰۹ متر از سطح دریا و قطر ۲ الی ۲/۵ کیلومتر است. این کوه در ۱۷

کیلومتری جنوب غربی زابل و میانه دریاچه ی هامون قد برافراشته است. آثار باقی مانده مربوط به دوره های اشکانی ساسانی و اوایل دوره اسلامی، همانند کاخ، آتشکده، زیارتگاه خواجه مهدی و قبرستان دوره اسلامی در این مجموعه مشاهده می شود.

این مجموعه در سال ۱۹۱۶ توسط اورل اشتاین شناسایی شد. هرتسفلد در سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۵ م. در آنجا اندکی حفاری نمود. سپس در سال ۱۹۷۵ میلادی هیات ایتالیایی ایزمئو روی آن کارهای مرمتی انجام داده و پس از آن هیات های علمی باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی در سال های ۱۳۷۲ - ۱۳۷۰ به بررسی روی آثار و نقشه برداری مربوط پرداخته اند و بخشی از حیاط مرکزی کاخ را مرمت نموده اند.

خرابه های سراسیمبی جنوب کوه خواجه را می توان یک قلعه بزرگ یا شهر کوچک نامید. این قلعه دوبار محل اقامت بوده است و آثار مرمت مکرر در همه جای آن نمودار است. قدیمی ترین مرمت قلعه، به زمان اشکانیان و حکمرانی سکاها تعلق دارد. سپس در قرن سوم میلادی، اوایل دوره ساسانی، قلعه مجدداً مورد استفاده و مرمت قرار می گیرد. این قلعه مشتمل است بر یک قصر و یک معبد که می توان آن را به زمان پادشاه "گندوفار" مربوط دانست. اهالی آن را قلعه رستم می نامند. و به نظر هرتسفلد این مکان به قلعه "سه مجوس" معروف بوده است. اما در عصر حاضر این محل به قلعه کافران مشهور است. بنای قصر در قسمت مرتفع قلعه



قرار دارد و با حیاط مرکزی وسیع و یک دروازه و چهار طاقی در بخش جنوبی آن و در دو ضلع غربی و شرقی آن، ایوان های مسقف وسیعی قرار داشته که به طرف حیاط باز می شوند. فضاهای اصلی در ضلع شمالی حیاط واقع شده است.

هنگام ورود به ارگ داخلی قلعه در بخش شمالی حیاط مرکزی - به نظر سربالایی کوه می رسد - بر یک دهلیز و تالار وسیع با پلکان که به صفحه فوقانی منتهی می شود، به چشم می

خورد. این صفحه که معبد در آن قرار دارد - مرتفع ترین نقطه قلعه است. معبد دارای یک راهرو تنگ و سر بسته است که دور تا دور اتاق داخلی را با سقف گنبدی و محراب آتش، احاطه کرده است.

از آثار دوره‌ی اسلامی این مجموعه آرامگاه خواجه مهدی و به عبارتی خواجه غلطان است که نسبش به محمد حنفیه می‌رسد. مصالح به کار رفته در این آرامگاه خشت خام، کاه گل و گچ و دارای سقف گنبدی است. از مشخصات بارز این آرامگاه طویل بودن قبر آن است.

ساعت ۴۵:۵ دقیقه صبح به پای کوه خواجه رسیدیم. ابتدا هوا کمی سرد بود ولی به مرور هوا گرمتر می‌شد. صبحانه را در پای کوه خوردیم سپس همراه با توضیحات ارزشمند آقای خسروی به بازدید از مجموعه‌های مختلف آن پرداختیم. بعد از ۲ ساعت بازدید از مجموعه - که بسیار مفوح و دلپذیر بود - به سمت مجموعه آثار تاریخی دهانه غلامان به راه افتادیم.

• محوطه تاریخی دهانه غلامان

محوطه تاریخی دهانه غلامان در ۴۴ کیلومتری شهر زابل و ۲ کیلومتری روستای قلعه نو از توابع شهرستان زهک واقع شده است. این شهر مربوط به دوره امپراطوری هخامنشی است. اومبرتوشراتو و پروفوسور مارتیستو توزی درباره آن چنین گفته‌اند: دهانه غلامان یا به عبارت دیگر دروازه بردگان با برخورداری از ابعاد و اندازه‌های ۸۰×۱۸۰ اصولاً یک شهر به معنای متعارف بود که بر اثر وزش باد در زیر پرده‌ای از ریگ روان مدفون گردیده است.

آثار بدست آمده در آنجا شامل یک معبد و بنای بزرگی که مشتمل بر یک حیاط مرکزی با اتاق‌های متعدد که در اطراف آن چهار رواق یا ایوان ستون دار قرار دارد. دهانه غلامان را باید مقر حکومتی و یا به تعبیری ساتراپ نشین ناحیه زرنگ (سیستانی کنونی) در مشرق ایران دانست.

پس از بازدید از مجموعه دهانه غلامان و پیاده روی نسبتاً طولانی برای صرف نهار به شهر بازگشتیم. هنوز بازدید از چاه نیمه‌های آبی زابل مانده بود و بازدید علمی به ساعات پایانی خود نزدیک می‌شد. پس از صرف نهار سریعاً به سمت چاه نیمه‌ها رفته و دانشجویان از نزدیک به

تماشای آب فراوانی در مقیاس بسیار زیاد نشستند و بعد از کمی استراحت به منطقه مرزی ایران و افغانستان رفته و سد آبی را بازدید نمودیم.

با پایان یافتن بازدید از منطقه مرزی، زمان این سفر علمی نیز رو به پایان بود و دانشجویان با برچیدن کوله‌باری از معلومات تازه و آموختنی‌های فراوان در رابطه با تاریخ و فرهنگ بخش‌هایی از سرزمین کشور عزیزمان ایران، راهی سرزمین خورشید (خراسان) شدند. و در تاریخ جمعه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۴ به طومار یک سفر دیگر خاتمه دادند و چشم در آینده دوختند تا در فرصتی دیگر مجدداً کوله بار سفر بریندند و به بازدید نقطه ای دیگر از ایران عزیزمان عزیمت نمایند.

در پایان شایسته است از همراهی و سعه صدر دانشجویان که مشکلات و سختی‌های سفر را با آغوش باز می پذیرفتند، سپاسگزاری نمود، همچنین سپاسگزاریم:

- از مساعدت مدیر محترم گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد سرکار خانم دکتر مریم معزی بخاطر راه اندازی این گردش علمی به استان‌های کرمان و سیستان

- از همراهی سرپرست سفر جناب آقای دکتر جواد عباسی عضو محترم هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد که با قبول زحمت کار سرپرستی و راهنمایی دانشجویان را برعهده گرفتند.

- از انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد که همچون سالیان گذشته، زحمت هماهنگی با نهادهای حقیقی و حقوقی مورد نظر را بر عهده گرفت و شرایط مناسبی را برای دانشجویان فراهم نمود.

- از سرکار خانم فخری زنگی آبادی کارشناس ارشد تاریخ و از اعضا سابق انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد و از کرمانی‌های خونگرم و با محبتی که شرایط مناسبی را برای دانشجویان در کرمان و جیرفت فراهم نمودند.

- از آقای مهندس امامی که از دانشجویان عزیز کرمانی بودند نیز به خاطر راهنمایی‌ها و همراهی‌هایشان در طول حضور در کرمان و جیرفت.

- از آقای دکتر فاریابی و همسرشان و برادرشان به خاطر همراهی‌هایشان در جیرفت.

- از شورای شهر جیرفت آقای دکتر افشار نژاد و اعضای محترم شورای شهر و همکارانشان بخصوص خانم شفیعی.
- از خانم روح الامینی سرگروه تاریخ آموزش و پرورش کرمان و همسر محترمشان.
- از دکتر محسن بحرینی بهزادی و همسرشان خانم دکتر ابراهیمی به خاطر هماهنگی‌های مورد نظر در شهر بم.
- از دکتر اماندادی ریاست محترم دانشگاه آزاد بم به خاطر پذیرایی از دانشجویان.
- از مهندس جهان آبادی قائم مقام میراث فرهنگی شهر بم و همکارانشان بخصوص مهندس احمدی.
- از آقای خسروی مسوول پایگاه میراث فرهنگی شهر سوخته.
- از آقای نوری فرماندار شهر زاهدان.
- از آقای هادی خوش افتخار دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ در دانشگاه زاهدان.
- از جناب آقای گرگیچ شهردار محبوب زابل بخاطر محبت‌های بی شائبه ایشان در اسکان و پذیرایی از دانشجویان.
- از جناب آقای سلیمانی کارمند محترم شهرداری زابل بخاطر همه خوبی‌هایشان در همراهی با دانشجویان.
- از ناصر چاری کارشناس ارشد تاریخ و همسر محترمشان به خاطر همراهی در شهر زابل.
- از اعضای محترم انجمن علمی گروه تاریخ به خاطر همکاری در طول سفر، خانم‌ها: معصومه صاحبکاران، مریم برزونی، مریم موسوی، آزاده عباسی فر، زینب اسماعیلی، سمیه صدیقی و آقایان: اسماعیل سپاهی، مهدی شریفیان.
- از اعضای انجمن پارسه خانم حمیده لطفی نیا، سودابه انصاری و خانم دکتر معروضی به خاطر محبت‌ها و همراهی‌های قبل و در طول سفر.
- از آقای رضا وظیفه کارمند خوب دانشکده ادبیات که در طول سفر کار تدارکات و همکاری با گروه را برعهده داشت.
- از مدیریت و کارکنان محترم هتل آرام زابل.
- و از همه عزیزانی که در طول این گردش علمی زحمت کشیدند تا ما و همراهانمان شرایط مناسبی داشته باشیم.

کتابنامه

- ۱- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: *تاریخ کرمان تصحیح و تحشیه تاریخ وزیر*، بی نا، تهران، ۱۳۵۲.
- ۲- باقریان، اکبر: *از تهران تا کرمان*، بی نا، تهران، ۱۳۴۸.
- ۳- براون، ادوارد: *یکسال در میان ایرانیان*، ترجمه ذبیح الله منصور، انتشارات صفا، تهران، ۱۳۷۱.
- ۴- بیات، عزیزالله: *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخ ایران*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
- ۵- توکلی مقدم، حسن: *وجه تسمیه شهرهای ایران*، جلد یک، نشر میعاد، ۱۳۷۵.
- ۶- جهانبانی، امان الله، *سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن*، تهران، ۱۳۳۸.
- ۷- سازمان ملی حفاظت آثار باستانی کرمان: *آثار باستانی کرمان*، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی کرمان، کرمان، ۱۳۷۰.
- ۸- سجادی، سید منصور: *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- ۹- راهنمای دشت لوت: *اولین مجمع دوسالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران*، ۱۳۵۱.
- ۱۰- زنده دل، حسن و دستیاران: *مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی استان کرمان*، ایرانگردن، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۱- گلاب زاده، سیدمحمد علی: *کرمان در گذر تاریخ*، مرکز کرمان شناسی، کرمان، ۱۳۸۱.
- ۱۲- کرمانی، ذوالفقار: *جغرافیای نیمروز*، به کوشش عزیز الله عطایی، انتشارات عطارد، ۱۳۷۴.
- ۱۳- لاریجانی، حجت الله: *کتاب نامه سیستان و بلوچستان*، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۶۶- ۱۳۶۵.
- ۱۴- کرزن، اجن: *ایران و قضیه ی ایران*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۵- مشکوتی، نصرالله: *فهرست بناهای تاریخی اماکن باستانی ایران*، بی نا، تهران، ۱۳۴۹.
- ۱۶- مستوفی، حمدالله: *نزهت القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاق، طهوری، تهران، ۱۳۳۶.
- ۱۷- مجید زاده، یوسف: *آغاز شهرنشینی در ایران*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۱۸- مایانی، لوکور: *بازپیرایی در دهانه غلامان و کوه خواجه*، ترجمه: دکتر موسوی سید احمد، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۱۹- مهدویان، ایرج: *جامعه شناسی مردم بلوچستان*، بیوند، ۱۳۵۲.
- ۲۰- ماهوان، محمود: *راهنمای سیاحتی ایران در سفر به استانهای کرمان - یزد، ماهوان*، بی نا، بی جا، ۱۳۷۷۵.
- ۲۱- نهجیری، عبدالحسین: *جغرافیای تاریخی شهرها*، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۲- نوربخش، مسعود: *مسافران تاریخ*، نشر جیران، تهران، ۱۳۶۴.